

شبکه‌های اجتماعی و «زن‌شناسی» وارونه



رضا صائمی
خبرنگار گروه فرهنگ

در چند سال اخیر، هم به‌واسطه توسعه رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی و هم به‌دلیل تحولات سیاسی و اجتماعی که با مفهوم زن و زنانگی گره خورده، شاهد ظهور انواع صفحه‌های اینستاگرامی یا تلگرامی با محوریت مطالعات و مطالبات زنانه هستیم که برخی از آنها چنان رویکردی رادیکال پیدا کرده‌اند که به‌جای دفاع از حقوق زنان به دافع‌برانگیزی علیه مردان دست می‌زنند و در واقع به حرکتی ضد مرد تبدیل شده‌اند. «تاریخ ما، تاریخ مذکر است»: این جمله دکتر رضا برهانی گرچه از یک واقعیت تاریخی پرده برمی‌دارد، ریشه و علل بسیاری از رفتارهای فمینیستی افراطی در جامعه معاصر را نیز به خوبی بازتاب می‌کند. تاریخ مذکر مبتنی بر تفسیر و نگاه مردانه به تحولات تاریخی و اجتماعی است که قطعاً برساخته‌دهنیت و ساختار روانی مرد است و چه‌بسا اگر از منظر یک زن به تاریخ نگاه شود، داستان دیگری از آن بیرون بیاید. روانشناسان معتقدند که اساساً دنیای زن با مرد خیلی متفاوت است و گویی آنان در دو جهان زندگی می‌کنند. این ساختارهای دوگانه، شکافی ماهوی در درک واقعیت ایجاد می‌کند. این تحمیل نگرش مردانه بر ساخت اجتماعی و تاریخی واقعیت به تاسیس هسته مقاومت از سوی زنان انجامیده و این فرآیند همواره در حال زایش و رویش است. آنگونه که حرکت در جهت احقاق منافع و حقوق انسانی زنان که در قالب جنبش‌های اجتماعی حقوق زن صورت می‌گیرد، گاه چنان راه افراط می‌پیماید که گویی می‌خواهد تاریخ را این‌بار مؤنث جلوه دهد و باز تاریخ تک‌ساحتی از تجربیات بشری ارائه کند. این تنها واکنش عاطفی یا عقیده‌کشایی تاریخی است، نه کنش عقلانی و منطقی!

در سال‌های اخیر ذیل جنبش‌های زنانه، مفاهیم، مصداق‌های آن و جریان‌های فمینیستی که در صدد جبران وضعیت تاریخی زنان برآمده‌اند مباحثی مطرح شده است که بیش از آنکه مبتنی بر نیازهای واقعی و خلأهای تاریخی باشد، از یک معرفت‌شناسی کاذب و زن‌شناسی وارونه نشأت می‌گیرد. برخی از عملکردها و رویکردهای جنبش‌های مدافع حقوق زنان در جامعه ما آدمی را به یاد نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید می‌اندازد که مطابق با این نظریه، شرق بر ساخته غرب است تا هویت و هژمونی آن بر عالم ذهنی و عینی این جوامع استمرار یابد و در واقع غایت این شرق‌شناسی (وارونه) بسط تاریخی غرب است که بازتولید معنایی این نظریه‌ها می‌تواند بر برخی مصادیق عملی فمینیسم بازتابد. مثلاً ایجاد دانشگاه مستقلی برای زنان یا تاسیس رشته مطالعات زنان، پارک زنان و اساساً هرگونه تفکیک جنسیتی که در جامعه در ذیل دفاع از حقوق زن انجام می‌گیرد و هر روز نیز بر تعداد آن افزوده می‌شود، در واقع یک نوع زن‌شناسی وارونه است که زیرپوست خود به فرهای بیشتر سوژه مذکر می‌انجامد و هژمونی تاریخی آن را تعدیم می‌کند. رویکردهای این چنینی، این معنا را در پس صورت‌های ظاهر آفتلانی خود القاء می‌کند که زن هویتی متفاوت از مرد (انسان) دارد، باید به‌شکل گونه‌ای متفاوت از عالم بشری جدا شود و در قالب‌های ویژه‌ای بررسی شود. مگر جنسیت موضوع علم قرار می‌گیرد تا مبتنی بر آن رشته‌ای دایر شود؛ در این صورت چه فرقی است میان مطالعات زنان با گیاه‌شناسی و مطالعات جانوری. چه امر خارق‌العاده‌ای در زنان وجود دارد که برای کشف آن علمی خاص مورد نیاز است؟ یا زنان چه فرقی با مردان دارند که دانشگاه و پارکی مستقل برای آن تاسیس می‌شود. این جداسازی‌های تصنعی در جامعه نهایتاً به استحکام موقعیت و مقام مردان می‌انجامد؛ چنین نگرشی شبیه به جداسازی کودکان استثنایی از مدارس عادی و آموزش ویژه به آنان است. در واقع تفکیک زنان از جامعه مردان وضعیت استثنایی و ویژه برای آنان قائل شدن، تبدیل زنان (سوژه) به ابژه‌های صرف است که در نهایت منجر به تقویت هژمونی سوژه مذکر می‌شود و به‌جای درک عالمانه و معطوف به تحول به ساختاری وارونه و غیرواقعی از دنیای زنان می‌انجامد. به قول سیمون دوبوو: «زن، زن به دنیا نمی‌آید، زن می‌شود». بسیاری از این زن‌شدگی و جنس دوم بودن دقیقاً از درون اندیشه‌های زن‌مدارانه بیرون می‌آید و به‌جای کمک به درک وضعیت حقیقی زنان، تنها نگاه تلساخته به تاریخ و انسان را از مرد به زن تغییر می‌دهد و جای‌جای می‌کند. آسیب‌شناسی وضعیت زنان از درون دجل نقصان و به نقدی خودبنیاد محتاج است؛ نقدی که مبتنی بر عقلانیتی فراجنسیتی باشد.

۱۶ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱، آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴، توزیع: نشر گستر امروز نوین، تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



عکس: NZ

انقلاب ادبی یک نویسنده‌ی کره‌ای

هان کانگ هجدهمین نویسنده زن برنده جایزه نوبل شد



زینب کاظم‌خواه
خبرنگار گروه فرهنگ

گرفتن جایزه نوبل ادبیات آرزوی هر نویسنده‌ای در جهان است، نوبل یعنی رسیدن به اوج حرفه‌ای که در آن فعالیت می‌کنی و حالا این افتخار به یک نویسنده‌ی زن ۵۳ ساله‌ی اهل کره جنوبی رسیده است. این جایزه به‌خاطر «نثر شاعرانه‌ای که با تروماهای تاریخی مقابله می‌کند و شکنجگی زندگی انسان را آشکار می‌سازد» به هان کانگ تعلق گرفته است. از وقتی خبر برنده شدن نویسنده اعلام شده، مردم کره جنوبی از خوشحالی در پوست خود نمی‌کنجند. خیلی از کتاب‌فروشی‌ها پرتیرین‌شان را پر از کتاب‌های هان کرده‌اند. مردم با کتاب‌های او سلفی می‌گیرند و رئیس‌جمهور این کشور هم در پستی در فیس‌بوک این افتخار را به هان و کشورش تبریک گفته است. متس مالم، دبیر دائمی آکادمی سوئدی نوبل بعد از اعلام برنده در کنفرانسی خبری گفت: «من توانستم تلفنی با هان کانگ صحبت کنم. به نظر می‌رسد او یک روز معمولی دارد، تازه غدایش را با پسرش تمام کرده بود. او واقعاً برای این جایزه آماده نبود، اما ما شروع به صحبت برای آمادگی در دسامبر کردیم.» زمانی که جایزه نوبل را به هان اهدا خواهیم کرد.

آندرس اولسون، رئیس کمیته نوبل گفت: «همدلی برای زندگی‌های آسیب‌پذیر اغلب زنانه‌ی محسوس در آثار هان کانگ، با نثری استعاری تقویت می‌شود. او آگاهی بی‌ظنظیری از پیوندهای میان جسم و روح، زنده و مرده دارد و به‌شبه‌ای شاعرانه و تجربی به‌مبتدی در نثر معاصر تبدیل شده است.»
رمان‌ها، داستان‌ها، جستارها و مجموعه داستان‌های کوتاه هان کانگ مضامین پدرسالاری، خشونت، غم و اندوه، انسانیت را از وجوه مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. رمان «گیاخوار» او که در سال ۲۰۰۷ منتشر شده، در سال ۲۰۱۵ به انگلیسی ترجمه شد و در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه‌ی بوکر بین‌المللی شد. این کتاب درباره‌ی ری‌خانده‌ای افسرده‌ای است که وقتی گوشت خوردن را کنار می‌گذارد، خانواده‌اش را شوکه می‌کند، بعداً به‌کل از غذا خوردن دست می‌کشد و مشتاق تبدیل شدن به درختی است که می‌تواند به تنهایی با نور خورشید زندگی کند.

آثار ترجمه شده به فارسی

«کتاب سپید»، «اعمال انسانی» و «درس‌های یونانی» از جمله آثار این نویسنده هستند که بعضی‌هایشان در ایران هم منتشر شده‌اند که البته حتماً بعد از اعلام برنده شدن این نویسنده به‌رسم همیشه، خیل مترجمان برای ترجمه‌ی آثار این نویسنده می‌شتابند. اما آنچه از این نویسنده به فارسی ترجمه شده سه کتاب است: از «اعمال انسانی» دو ترجمه در ایران موجود است؛ یکی ترجمه علی قانع نشر چترنگ و دیگری ترجمه ندا امیری نشر دانش آفرین. «کتاب سپید»، دیگر رمان این نویسنده با ترجمه مرگان رنجبر انشر چترنگ منتشر کرده است. اما معروف‌ترین کتاب او «گیاخوار» نیز به فارسی ترجمه شده است و دو ترجمه از آن در بازار نشر ایران وجود دارد: ترجمه مهلاسادات عرب نشر آناپنا، مرزیه‌سادات‌هاشمی پورنشر ماهابه.

هجدهمین زن برنده نوبل

البته خبر دادن نوبل به هان یک شگفتی بود. قبل از اعلام این خبر، گزینه‌ی مطرح برای برنده شدن این جایزه کان شویی، نویسنده‌ی پیشرو و نوآور چینی بود که به‌خاطر رمان‌های غیرمتعارف خود مشهور است.
هان، اولین نویسنده‌ی کره جنوبی که نوبل ادبیات برده و دومین نفری است که از این کشور نوبل گرفته، قبل از او کیم دانه جونگ، رئیس‌جمهور این کشور نوبل صلح برده بود. هان کانگ همچنین هجدهمین زنی است که برنده جایزه نوبل شده است. در سال ۱۹۰۹ اولین زنی که جایزه نوبل ادبیات را از آن خود کرد سلما لاگروف از کشور سوئد بود؛ گراتزیا دلدا ایتالیایی، سیگرید اوندست

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریم‌ساجی

مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • امید عرب (مدیر آنلاین)
دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

چهره

موسیقیدانی از نسل رمانتیک‌ها

به ۸۷ سالگی رسید. به باور برخی، او را می‌توان آخرین آهنگساز از نسل رمانتیک‌های ایران به‌شمار آورد. آهنگساز، رهبر ارکستر، نویسنده و نقاش ارمنی‌تبار ایرانی است. پدرش از زندانی‌های استالین در زمان حکمرانی شوروی‌ها بر ارمنستان بود، مادرش هم در جنگ میان ارمنه و عثمانی‌ها در حالی که توانست جان سالم به‌در برد، به همراه تعداد زیادی از ارمنی‌ها به ایران گریختند و لوریس در شهر بروجرد به‌دنیا آمد. لوریس چکناوریان در کنار دیگر حوزه‌های فعالیت از جمله نویسندگی، نوازندگی و آهنگسازی، دستی هم در طراحی و نقاشی دارد، به‌عنوان یکی از موسیقیدانان صاحب سبک، برای مستندهای بسیاری موسیقی ساخته و با کارگردان‌های متفاوتی همکاری داشته است. موسیقی متن ۴۰ فیلم مستند و سینمایی را تهیه کرده است. او برای ۱۷ فیلم مستند هم موسیقی متن فیلم ساخته است. از ویژگی‌های او، علاقه شدید به فرهنگ ایرانی است و یک‌بار گفته: «چون اینجا مملکت من است، فرهنگ من است.»



کتابخانه

نسبت هایدگر با فاشیسم

چرایی و چگونگی پیوند خوردن هایدگر به منزله یکی از بزرگترین فلاسفه جهان با حکومت فاشیستی هیتلر یکی از مهمترین پرسش‌های پیش روی فلسفه‌پژوهان در یک قرن اخیر بوده است. امروزه تردیدها نسبت به این امر که هم هایدگر حامی هیتلر بود و هم فلسفه او نسبتی معنادار با نگرش‌های فاشیستی دارد، کاهش یافته است. با این همه، چند دهه پیش چنین نبود و بسیاری از طرفداران هایدگر بیشتر با این توجیه که مناسبات هایدگر با حکومت عمری کوتاه داشت و مهمتر از آن، ارتباطی نیز با فلسفه او نداشت، بر این نکته تاکید داشتند که نباید چندان در این موضوع توقف کرد و بهتر است آثار او را بدون در نظر گرفتن این کارنامه شرم‌آور به‌یاد آورد. آن کتابی که اما در میانه این توجیه‌ها، خواب مدافعان هایدگر را برآشفته، کتاب ویکتور فاریاس بود که در میانه دهه ۱۹۸۰ منتشر شد و با برمل کردن اسناد متعدد نشان داد، نه آن پیوند گذرا بوده و نه اندیشه هایدگر بی‌ارتباط با نازیسم است.



هایدگر و نازیسم
نویسنده:
ویکتور فاریاس
مترجم:
البرز حیدرپور
انتشارات: نشر مرکز

تاریخ

ورود کریستف کلمب به قاره آمریکا



کریستف کلمب که برای یافتن راه دریایی به هند از طریق دریاهای غرب، اروپا را ترک کرده بود، ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ به جزایر آنتیل رسید؛ جزایری واقع در قاره‌ای که بعداً نام «آمریکا» بر آن نهاده شد. علت این نامگذاری

این بود که امضای امریکو وسپوس، از همراهان کلمب در سفرهای آخر، در زیر نقشه‌های مسیر کشتی‌ها درج شده بود. به باور بسیاری از مورخان ورود اروپاییان به قاره غربی، سرآغاز نابودی بیشتر بومیان این قاره شد. در اسپانیا و کشورهای آمریکایی از جمله ایالات‌متحده، ۱۲ اکتبر به مناسبت رسیدن کلمب به قاره غربی، روز ملی است. در ابتدای قرن ۲۱ که بومیان در چند کشور آمریکای لاتین قدرت را به دست گرفتند، انتقاد از کلمب و سایر استعمارگران اروپایی آمریکا امری عادی شد، تا جایی که به اشاره هوگو چاوس رهبر ونزوئلا، مجسمه‌های کلمب از چند شهر این کشور برداشته شد. در سال ۱۴۹۲، کریستوف کلمبوس با حمایت ملکه ایزابل و پادشاه فردیناند از اسپانیا، به دنبال راهی برای دسترسی به هندوستان و چین بود. بر این اساس، او به سفری دریایی به دنبال مسیری به همان منطقه روی آورد. در این سفر، کلمبوس به جای رسیدن به هندوستان و چین، به سواحل یک قاره کاملاً جدید رسید.